

به مناسبت سالروز ولادت

پیامبر اکرم (ص) و امام صادق (ع)

□ سوره توبه، ۱۲۸: قطعاً، برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید، به [هدایت] شما حریص، و نسبت به مؤمنان، دلسوز مهربان است.

□ سوره کهف، ۶: و چه بسا تو جان خود را در کار و بار ایشان، از شدت تأسف می‌فرسای، که چرا به این سخن ایمان نمی‌آورند.

□ سوره آل عمران، ۳۱: بگو: «اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید تا خدا دوستتان بدارد و گناهان شما را بر شما بیخشد، و خداوند آمرزنده مهربان است.»

□ سوره اعراف، ۱۸۸: بگو: «جز آنچه خدا بخواهد، برای خودم اختیار سود و زیانی ندارم، و اگر غیب می‌دانستم قطعاً خیر بیشتری می‌اندوختم و هرگز به من آسیبی نمی‌رسید. من جز بیم‌دهنده و بشارتگر برای گروهی که ایمان می‌آورند، نیستم.»

□ سوره انعام، ۵۰: بگو: «به شما نمی‌گویم گنجینه‌های خدا نزد من است؛ و غیب نیز نمی‌دانم؛ و به شما نمی‌گویم که من فرشته‌ام. جز آنچه را که به سوی من وحی می‌شود پیروی نمی‌کنم.» بگو: «آیا نابینا و بینا یکسان است؟ آیا تفکر نمی‌کنید؟»

□ سوره احزاب، ۲۱: قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست: برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند.

□ سوره طه، ۱۱۴: [ای پیامبر] بگو: «پروردگارا، بر دانشم بیفزای.»

□ سوره کهف، ۲۴: و چون فراموش کردی، پروردگارت را یاد کن و بگو: «امید که پروردگارم مرا به راهی که نزدیک‌تر از این به صواب است، هدایت کند.»

□ پیامبر اکرم (ص): اگر روزی بر من بیاید که در آن روز بر دانش خود چیزی نیفزایم که به خدای تعالی نزدیکم گرداند، طلوع خورشید آن روز بر من مبارک مباد.

(میزان‌الحکمه، ص ۳۹۳۳)

در کتاب خود می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا بترسید و سخن درست بگویید تا خداوند کارهای شما را به صلاح آرد» [سوره احزاب، ۷۱-۷۰]، بدان که خداوند چیزی از تو نپذیرد مگر این که سخن درست و حق (مطابق عدل) بگویی. (میزان‌الحکمه، ص ۴۰۶۹)

□ امام صادق (ع): از خود راضی و مغرور مباش؛ گاه فریب ثروت و تندرستی خویش را می‌خوری و خیال می‌کنی که برای همیشه زنده‌ای، گاه فریب عمر دراز و فرزندان و دوستان و یاران را می‌خوری، به این خیال که اینها موجب نجات تو هستند، [...] گاه خودت را در عبادت به زحمت می‌اندازی در صورتی که خداوند خواستار اخلاص است، ... گاه باشد که به ظاهر خدا را بخوانی اما در واقع دیگری را می‌خوانی، گاه به گمان خودت مردم را نصیحت و خیرخواهی می‌کنی اما در واقع غرض تو جلب توجه و متمایل کردن آنان به سوی خودت می‌باشد، گاه نفس خویش را نکوهش می‌کنی حال آن که درحقیقت در پی ستایش آن هستی [...] اگر به وضعی که داری خرسند و قانع باشی در بدبختی و تباه کردن عمر و حسرت و افسوس خوردن در روز قیامت کسی بدتر از تو نخواهد بود. (میزان‌الحکمه، ص ۴۲۷۷)

□ [از دعای امام صادق (ع) در روز عرفه:] خدایا! به تو پناه می‌برم از دنیایی که از خیر آخرت جلوگیری کند و از زندگانی‌ای که بهترین مردن را باز دارد و از آرزویی که مانع بهترین کار شود. (میزان‌الحکمه، ص ۱۸۷)

□ پیامبر اکرم (ص): ای گروه مسلمانان! آستین بالا زنید که موضوع جدی است و آماده شوید که رفتن نزدیک است و توشه بردارید که سفر طولانی است. بارهایتان را سبک کنید که گردنه‌ای دشوار فراروی دارید و جز سبکباران آن را نیمایند. (میزان‌الحکمه، ص ۸۶۱)

آزاد کنی؟» گفت: «نه.» فرمود: «می‌توانی دو ماه روزه بگیری؟» گفت: «نه.» فرمود: «می‌توانی شصت مسکین را غذا دهی؟» گفت: «نه.» فرمود: «بنشین.» در این وقت زنبیلی خرما هدیه آوردند. پیامبر(ص) فرمود: «این سائل کجاست؟» گفت: «منم.» فرمود: «این خرما را بگیر و صدقه بده.» گفت: «آیا بر فقیرتر از خودم؟ به خدا سوگند بین این دو کوه سیاه مدینه خانواده‌ای فقیرتر از ما نیست.» پیامبر(ص) خندید و فرمود: «آن را ببر و به خانواده‌ات بده تا بخورند.» (خاتم‌النبیین، ص ۲۶۹)

□ [هاشم صاحب پست و دو تن دیگر از شیعیان درباره اینکه کسی که امر امامت را نشناسد کافر است یا نه اختلاف رأی داشتند. او می‌گوید:] به حج رفتم و خدمت امام صادق(ع) رسیدم و این موضوع را به او گزارش دادم. فرمود: «تو حاضری و آن دو طرف غایبند، موعد شما امشب نزد جمره‌ی وسطی در منا باشد.»

چون شب شد همه نزد او گرد آمدیم... فرمود: «... سبحان الله، تو خانه کعبه را نبینی و آن همه طواف‌کنندگان بر آن را و اهل یمن را و اینکه همه به پرده‌ی کعبه چسبیده‌اند؟» گفتم: «چرا.» فرمود: «همه نمی‌گویند اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمد رسول الله، و نماز می‌خوانند و روزه می‌دارند و به حج می‌روند؟» گفتم: «چرا.» فرمود: «آیا این‌ها بر عقیده‌ی شما هستند؟» گفتم: «نه.» فرمود: «درباره‌ی آنها چه می‌گویی؟» گفتم: «هرکه به این امر امامت معتقد نباشد کافر است.» فرمود: «سبحان الله، این عقیده‌ی خوارج است.» سپس فرمود: «اگر بخواهید به شما خبر دهم.» من گفتم: «نه.» پس فرمود: «هلا برای شما بد است که چیزی [از جانب ما] بگویند که از ما نشنیده‌اید.» (اصول کافی، ج ۴، کتاب ایمان و کفر، باب ضلال، حدیث نخست)

□ امام صادق(ع) [به عباد بن کثیر بصری صوفی فرمود:] وای بر تو ای عباد! از اینکه شکم و شرمگاهت را پاک نگه داشته‌ای مغرور گشته‌ای؟ همانا خدای عزوجل

□ پیامبر اکرم(ص): همه‌ی تقوا این است که آنچه را نمی‌دانی بیاموزی و آنچه را می‌دانی به کار بندی. (میزان‌الحکمه، ص ۷۰۱۹)

□ پیامبر اکرم(ص): بهترین صدقه، این است که انسان علمی را بیاموزد و سپس آن را به برادر خود آموزش دهد. (میزان‌الحکمه، ص ۳۹۵۵)

□ پیامبر اکرم(ص): علم عمل را صدا می‌زند، اگر پاسخش را داد می‌ماند وگرنه می‌رود. (میزان‌الحکمه، ص ۳۹۹۷)

□ امام صادق(ع): مؤمن نیستی مگر آنکه در بیم و امید به سربری و بیمناک و امیدوار نیستی مگر آنکه بر اساس آنچه مایه‌ی ترس و امید تو گشته عمل کنی. (میزان‌الحکمه، ص ۳۶۵)

□ امام صادق(ع) [به یکی از یارانش فرمود:] سلام ما را به دوست‌دارانمان برسان و باخبرشان کن که در برابر خداوند از ما کاری برای آن‌ها ساخته نیست، مگر اینکه عمل کنند، و هرگز به ولایت ما دست نیابند مگر با عمل و پارسایی، و پرحسرت‌ترین مردم در روز قیامت کسی است که عدالتی را وصف کند و خود برخلاف آن رفتار نماید. (میزان‌الحکمه، ص ۴۰۰۵)

□ پیامبر اکرم(ص): هیچ عملی پذیرفته نشود جز با شناخت، و هیچ شناختی پذیرفته نیست جز با عمل. (میزان‌الحکمه، ص ۳۵۵۵)

□ [امام حسین(ع)، از پیامبر خدا(ص) روایت نمود:] کسی که دینش را از راه تفکر در نعمت‌های خدا، و تدبیر در کتاب او و فهم سنت من به دست آرد، کوه‌ها بجنبند و او از جا نجنبند. و کسی که دینش را از دهان افراد فراگیرد و دنباله‌رو آنان شود، افراد او را به هر سو ببرند و دینش در معرض بزرگ‌ترین زوال است. (گزیده‌ای از سخنان امام حسین(ع)، محمد حکیمی، ص ۴۴)

□ امام صادق(ع) در پاسخ به سؤال ابوبصیر از آیهی «[یهود] علما و راهبان خود را، به جای خدا، خداوندگاران خود گرفتند» [سوره توبه، ۳۱]، فرمود: «به خدا سوگند علما و راهبان یهود آنان را به عبادت خود فرخواندند. اگر ایشان را به عبادت خود دعوت می‌کردند قطعاً دعوتشان را نمی‌پذیرفتند، بلکه حرامی را برای آنان حلال کردند و حلالی را حرام و بدین ترتیب ناآگاهانه علما و راهبان خود را عبادت و بندگی کردند.» (میزان‌الحکمه، ص ۳۴۲۱)

□ امام صادق(ع): عبادت به سجود و رکوع نیست، بلکه به اطاعت و فرمان بردن از رجال است، هر که فرمان آفریده‌ای را که خلاف فرمان آفریدگار است اطاعت کند بی‌گمان او را عبادت کرده است. (میزان‌الحکمه، ص ۳۴۲۰)

□ سوره اسراء، ۳۶: و چیزی را که بدان علم نداری دنبال مکن، زیرا گوش و چشم و قلب، همه مورد پرسش واقع خواهند شد.

□ پیامبر اکرم(ص): طاعت و نیکی آن است که جان بدان قرار گیرد و دل به آن آرام یابد و گناه آن چیزی است که جان بدان قرار نگیرد و دل به آن آرام نیابد، هرچند فتوادهندگان [خلاف آن] به تو فرمان دهند. (میزان‌الحکمه، ص ۶۷۶۱)

□ امام صادق(ع): هرگز دل به باطل بودن حق و به حق بودن باطل یقین نمی‌کند. (میزان‌الحکمه، ص ۵۱۱)

□ از امام صادق(ع) سؤال شد: «کمترین چیزی که بنده با آن کافر می‌شود چیست؟» آن حضرت سنگریزه‌ای از روی زمین برداشت و فرمود: «این که بگوید این ریگ یک هسته است و از هر که با این سخن او مخالفت ورزد بیزار می‌جوید.» (میزان‌الحکمه، ص ۳۸۷)

□ پیامبر(ص) سپاهی را گسیل داشت و مردی را فرمانده آنان کرد و به سپاهیان فرمود تا دستورهای او را بشنوند و اطاعت کنند. او آتشی افروخت و به سپاهیان

نزن؛ ولی از خرماهایی که پای آن ریخته است، بخور.» سپس دستی به سرم کشید و فرمود: «خدایا! شکمش را سیر گردان.» (حکمت‌نامه‌ی پیامبر اعظم(ص)، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، ج ۸، ص ۲۳)

□ امام صادق(ع): دو مرد وارد مسجد می‌شوند. یکی از آن دو عابد است و دیگری فاسق. اما هنگامی که از مسجد بیرون می‌روند، آن فاسق به صدیق تبدیل شده و آن عابد به فاسق. علتش این است که وقتی که عابد وارد مسجد می‌شود به عبادت خود می‌نازد و همه‌اش در این باره می‌اندیشد، اما فاسق در اندیشه پشیمانی از بدکرداری خویش است و از این رو برای گناهان خود از خداوند طلب آمرزش می‌کند. (میزان‌الحکمه، ص ۳۴۵۳)

□ پیامبر اکرم(ص): زنی تن‌فروش سگی را دید که بر سر چاهی له‌له می‌زند و کم مانده از تشنگی بمیرد. او کفش خود را در آورد و آن را به روسری خود بست و به وسیله‌ی آن از چاه آب کشید [و به آن حیوان داد]، پس خداوند او را به سبب این کار آمرزید. (میزان‌الحکمه، ص ۱۳۴۷)

□ حبیب بن حارث نزد پیامبر(ص) آمد و گفت: «من مردی هستم که زیاد گناه می‌کنم.» فرمود: «توبه کن.» گفت: «ای رسول خدا! توبه می‌کنم و باز هم گناه می‌کنم.» فرمود: «هر وقت گناه کردی توبه کن.» گفت: «ای رسول خدا! در این صورت گناهان من زیاد است.» پیامبر(ص) فرمود: «عفو خداوند از گناه تو بیشتر است.» (خاتم‌النبیین، ص ۲۵۶)

□ پیامبر اکرم(ص): گنهکار امیدوار به رحمت خدای متعال به رحمت نزدیک‌تر است تا عابد نومید گشته. (میزان‌الحکمه، ص ۵۰۴۷)

□ مردی نزد پیامبر(ص) آمد و گفت: «هلاک شدم.» فرمود: «چه چیز تو را هلاک کرده؟» گفت: «روزه بودم و با همسر هم‌خوابه شدم.» فرمود: «بنده‌ای داری که

□ پیامبر اکرم (ص): حکایت مؤمن و برادرش حکایت دو کف دست است که یکی دیگری را تمیز می‌کند. (میزان الحکمه، ص ۵۴۲۷)

□ پیامبر اکرم (ص): گناه کردن مردم تو را از گناهت غافل نکند، و نعمت‌های مردم تو را از نعمت‌هایی که خداوند ارزانیات داشته است دچار غفلت نسازد، و مردم را از رحمت خدای عزوجل که تو خود بدان امید بسته ای نومید مگردان. (میزان الحکمه، ص ۴۲۷۵)

□ امام صادق (ع): به یکی از اصحاب خود فرمود: «با بدهکارت چه کردی؟» عرض کرد: «آن زنزاده؟» حضرت با خشم نگاهی به او کرد. عرض کرد: «فدایت شوم، او مجوسی‌ای است که با خواهر خود ازدواج کرده است.» حضرت فرمود: «آیا نه این است که این عمل در آیین آنها ازدواج محسوب می‌شود؟» (میزان الحکمه، ص ۴۷۹۷)

□ شخصی را که به دزدی متهم بود نزد پیامبر (ص) آوردند. کسی که به عنوان شاهد در آنجا حضور یافته بود گفت: «من این مرد را دیدم که این چیز را می‌دزدید.» پیامبر (ص) فرمود: «چرا نمی‌گویی او را دیدم که آن را برمی‌داشت؟» (برگرفته از «پیامبر رحمت»، صدر بلاغی، انتشارات حسینیّه ارشاد، ص ۱۷۴)

□ پیامبر اکرم (ص): تا جایی که می‌توانید مجازات‌ها و حدود را از مسلمانان دور کنید... اگر امام در بخشودن خطا کند بهتر است تا در کیفر دادن گرفتار خطا شود. (میزان الحکمه، ص ۱۰۴۵)

□ عموی ابورافع بن عمرو غفاری می‌گوید: زمانی که بچه بودم، به درخت خرمايي که متعلق به انصار بود، سنگ می‌زدم. پیامبر (ص) آمد. به ایشان گفته شد: «پسر بچه‌ای به نخل ما سنگ می‌زند!» مرا نزد پیامبر (ص) بردند. فرمود: «پسر جان! چرا به نخل، سنگ می‌زنی؟» گفتم: «خرما می‌خورم.» فرمود: «به نخل، سنگ

خود دستور داد خود را در آن بیندازند. گروهی از وارد شدن به آتش سر باز زدند و گروهی مردد بودند که وارد آتش شوند. این خبر به پیامبر (ص) رسید، فرمود: «اگر به درون آتش می‌رفتند برای همیشه در آتش بودند.» آن‌گاه فرمود: «در معصیت خدا نباید از کسی اطاعت کرد.» (میزان الحکمه، ص ۲۳۵)

□ پیامبر اکرم (ص): هر کس با انجام کاری که خدا را ناخشنود می‌کند فرمانروایی را خشنود سازد از دین خدای عزوجل خارج شده است. (میزان الحکمه، ص ۳۳۳۵)

□ امام صادق (ع): کسی که زمان خود را بشناسد، آماج اشتباهات قرار نگیرد. (میزان الحکمه، ص ۲۲۰۵)

□ امام صادق (ع): بنی‌امیه تعلیم ایمان را برای مردم آزاد گذاشتند، اما تعلیم شرک را آزاد نگذاشتند تا اگر آنان را به شرک بکشاند متوجه نشوند. (میزان الحکمه، ص ۲۷۱۹)

□ پیامبر اکرم (ص): چون بدعت‌ها در امت من پدید آید بر عالم است که علم خود را آشکار کند. پس هر کس چنین نکند لعنت خدا بر او باد. (ترجمه‌ی الحیاء، ج ۲، ص ۴۶۷)

□ پیامبر اکرم (ص): به نماز و روزه و حج و بخشش و ناله‌های شبانه‌ی زیاد آنها نگاه نکنید، بلکه به راستگویی و امانتداری آنها بنگرید. (میزان الحکمه، ص ۴۰۹)

□ [در سفارش به عبدالله بن جندب فرمود: ای پسر جندب! خدای عزوجل در یکی از وحی‌های خود فرمود: من نماز را از کسی می‌پذیرم که در برابر بزرگی من افتادگی کند و به خاطر من از خواهش‌های نفس خویش‌تنداری ورزد و روز خود را با یاد من بگذراند و بر آفریدگان من بزرگی نفروشد و گرسنه را سیر کند و برهنه را بپوشاند و بر گرفتار و مصیبت‌زده رحم آورد و غریب را پناه دهد. (میزان الحکمه، ص ۶۵۱۷)

□ پیامبر اکرم(ص): نزدیکترین شما به من در موقف فردای قیامت، راستگوترین شماست و امانتدارترین شما و پایبندترین شما به عهد و پیمان و خوشخوترین شما و نزدیکترین شما به مردم. (میزانالحکمه، ص ۶۹۶۷)

□ امام صادق(ع): کسی که پایبند عهد و پیمان نیست دین ندارد. (میزانالحکمه، ص ۱۸۰۷)

□ پیامبر اکرم(ص): هرآینه گره‌های اسلام یکی یکی گشوده خواهد شد و هرگاه گرهی باز شود مردم به گره بعدی آن خواهند پرداخت، اولین گرهی که باز می‌شود زیر پا گذاشتن داوری [عادلان] است و آخرین آن نماز. (میزانالحکمه، ص ۲۵۵۵)

□ پیامبر اکرم(ص): ساعتی عدالت، بهتر از شصت سال عبادت است که شبش به عبادت و روزش به روزه‌داری بگذرد و یک ساعت بی‌عدالتی در حکومت، نزد خدا بدتر از شصت سال گناه است. (میزانالحکمه، ص ۳۴۹۵)

□ پیامبر اکرم(ص): محبوب‌ترین دین‌ها نزد خدا، آیین حنیف است، پس هرگاه دیدی که امت من به ستمگر نمی‌گویند «تو ستمگری»، بی‌تردید از دست رفته‌اند. (میزانالحکمه، ص ۱۸۱۱)

□ پیامبر اکرم(ص): هرگونه که باشید همان‌گونه بر شما حکومت می‌شود. (میزانالحکمه، ص ۶۸۵۳)

□ امام صادق(ع): اگر بنی‌امیه کسی را نمی‌یافتند که برایشان بنویسد و مالیات جمع‌آوری کند و برایشان بجنگد و در جماعتشان حاضر شود، هرگز نمی‌توانستند حق ما را سلب کنند. (میزانالحکمه، ص ۳۳۸۱)

□ پیامبر اکرم(ص): چون روز قیامت فرارسد، منادی بانگ کند: «کجایند ستمگران و دستیاران ستمگران: کسی که لایقه‌ای در دوات ایشان گذاشته یا سر کیسه‌ای برای

□ پیامبر اکرم(ص): سوگند به آن خدایی که جانم به دست اوست که داخل بهشت نمی‌شوید مگر آنکه ایمان بیاورید و ایمان نمی‌آورید مگر آنکه یکدیگر را دوست داشته باشید. (آثارالصادقین، ج ۳، ص ۵۶)

□ روزی رسول‌خدا(ص) در مدینه از کوچهای می‌گذشت. کودکان جلویش را گرفتند و گفتند: «همان‌طور که حسن و حسین - علیهما السلام - را بر دوش خود سوار می‌کنی، ما را هم بر دوش خود سوار کن.» آن حضرت(ص) به بلال فرمود: «به خانه برو و هر چه پیدا کردی بیاور تا خود را از این بچه‌ها بخرم.» بلال رفت و مقداری گردو آورد و پیامبر(ص) گردوها را بین آنها تقسیم کرد و خود را از آنها خرید! (سیره حکومتی پیامبر اسلام(ص)، جلد اول، حسین جوان‌مهر، انتشارات کتاب مبین)

□ چنان شد که پیامبر(ص) نماز جماعت را از همیشه سبک‌تر خواند، یکی گفت: «چرا؟»، فرمود: «مگر صدای گریه‌ی طفل را نشنیدی؟» (خاتم‌النبین، ص ۲۵۵)

□ پیامبر(ص) به هنگام سفر در عقب کاروان می‌ماند تا ضعیفان را حرکت دهد، مبادا از کاروان عقب بمانند. (خاتم‌النبین، ص ۷۲)

□ امام صادق(ع): دو مؤمن هرگز با هم دیدار نکنند مگر اینکه آن بهتر است که برادرش را بیشتر دوست داشته باشد. (میزانالحکمه، ص ۹۶۷)

□ امام صادق(ع): هر که بر این باور باشد که از دیگران برتر است، او در شمار مستکبران است. [حفص بن غیاث می‌گوید: عرض کردم: «اگر گنهکاری را ببیند و به سبب بی‌گناهی و پاکدامنی خود، خویشتن را از او برتر بداند چه؟» فرمود:] «هیئات، هیئات! چه بسا که او آمرزیده شود اما تو را برای حسابرسی نگه دارند، مگر داستان جادوگران موسی(ع) رانخوانده‌ای؟» (میزانالحکمه، ص ۵۰۸۳)

❑ گوسفندی را ذبح کردند و گوشت آن را انفاق کردند. پیامبر اکرم(ص) فرمود: «چیزی مانده است؟» عرض شد: «به جز شانه‌اش چیزی باقی مانده است.» پیامبر(ص) فرمود: «به جز شانه‌اش همه‌ی آن باقی مانده است.» (میزان‌الحکمه، ص ۶۴۴۹)

❑ پیامبر اکرم(ص): هرکه صبح کند در حالی که به امور مسلمانان اهتمام ندارد از آنها نیست و هرکه فریاد کمک‌خواهی مردی را بشنود و به کمکش نشتابد مسلمان نیست. (میزان‌الحکمه، ص ۲۵۵۵)

❑ رسول‌خدا(ص) از درو کردن محصول و چیدن میوه در شب منع می‌کرد، مبادا فقرا محروم شوند. (خاتم‌النبیین، ص ۱۹۴)

❑ پیامبر اکرم(ص): سوگند به آنکه جان محمد در دست اوست، هیچ بنده‌ای به من ایمان نیاورده در حالی که شب را سیر بخوابد و برادر (یا همسایه‌ی) مسلمانش گرسنه باشد. (میزان‌الحکمه، ص ۳۲۹۵)

❑ امام صادق(ع): مسلمان برادر مسلمان است و حق مسلمان بر برادرش این است که اگر برادرش گرسنه باشد سیر نخورد و اگر برادرش تشنه باشد سیراب نشود و هرگاه برادرش جامه ندارد، جامه [زیادی] نبوشد، پس حق مسلمان بر برادر مسلمان حق بزرگی است! (الحیة، ج ۵، ص ۱۴۱)

❑ امام صادق(ع): هر کس از اصحاب ما که یکی از برادرانش از او برای نیازی طلب یاری کند و او با تمام توان به این یاری‌دادن برنخیزد، به خدا و رسول و مؤمنان خیانت کرده‌است. [راوی گوید: پرسیدم: «مقصودتان از مؤمنان چه کسانی‌اند؟» فرمود:] از زمان امیرالمؤمنین تا آخر ایشان. (الحیة، ج ۴، ص ۴۶۶)

❑ امام صادق(ع): آیا دین جز محبت است؟ (میزان‌الحکمه، ص ۹۴۵)

ایشان بسته یا یک بار برای ایشان قلم به دوات زده‌است، همه را با آنان محشور کنید.» (ترجمه‌ی الحیة، ج ۲، ص ۵۰۲)

❑ پیامبر اکرم(ص): خداوند آن امتی را که در آن حق ناتوان بدون ترس و لرز از قدرتمند گرفته نشود هرگز پاک نمی‌گرداند. (میزان‌الحکمه، ص ۴۶۱۹)

❑ پیامبر اکرم(ص): در دهان مدح‌گویان خاک بپاشید. (خاتم‌النبیین، سید علی کمالی، انتشارات اسوه، ص ۸۵)

❑ پیامبر اکرم(ص): هر یک از شما در دنیا سخن حقی را بگوید تا بدان وسیله باطلی را دفع کند یا حقی را یاری رساند، مقامش برتر از مقام و ارزش هجرت با من است. (میزان‌الحکمه، ص ۶۶۰۵)

❑ پیامبر اکرم(ص): به خوبی فرمان دهید، اگرچه خودتان به آن عمل نکنید و از زشت‌کاری‌ها باز دارید، هرچند خودتان از همه‌ی آنها اجتناب نکنید. (میزان‌الحکمه، ص ۳۷۲۱)

❑ پیامبر اکرم(ص): بدترین‌های امت آن کسانی‌اند که از ترس شرشان آنها را گرامی دارند. (تحف‌العقول، ص ۵۸)

❑ پیامبر اکرم(ص): همانا پیشینیان شما هلاک شدند، زیرا اگر بزرگی از ایشان دزدی می‌کرد رهایش می‌کردند، و چون ضعیفی دزدی می‌کرد بر وی حد جاری می‌ساختند. (میزان‌الحکمه، ص ۱۰۴۹)

❑ پیامبر اکرم(ص): هرکه نزد توانگری رود و از سر چشمداشت به آنچه او دارد در برابرش کرنش کند دو سوم دینش از بین می‌رود. (میزان‌الحکمه، ص ۶۸۵۳)

❑ پیامبر(ص) مردی را مأمور جمع‌آوری زکات کرد. چون آن مرد اموال زکات را آورد، گفت: «این برای شماست، و این هم به خود من هدیه شده است.» پیامبر(ص) بر منبر ایستاد... و پس از حمد و ثنای خداوند، فرمود: «چه شده

است که کارگزاری را می‌فرستیم و وقتی می‌آید، می‌گوید: این، از آن توست و این، از آن من؟! چرا در خانه‌ی پدر و مادرش نمی‌نشیند تا ببیند آیا باز هم برای او هدیه می‌آورند یا نه؟! سوگند به آنکه جان من در دست اوست، [آن کارگزار] هیچ چیز بر نمی‌دارد، مگر این که روز قیامت، آن را بر دوش خود خواهد کشید.» (حکمت‌نامه‌ی پیامبر اعظم (ص)، ج ۸، ص ۳۷۱)

□ امام صادق (ع): هدیه سه گونه است: هدیه جبرانی، هدیه رشوه‌ای و تملق‌آمیز و هدیه برای خدای عزوجل. (میزان‌الحکمه، ص ۶۶۵)

□ پیامبر اکرم (ص): من از سه چیز بر امت خود بیم دارم: پیروی از بخل و آزمندی، تبعیت از هوی و هوس، و پیروی از پیشوای گمراه. (میزان‌الحکمه، ص ۲۰۱)

□ پیامبر اکرم (ص): هر که از خدای عزوجل بترسد، همه چیز از او بترسد و هر که از خدا نترسد، خداوند او را از همه چیز بترساند. (میزان‌الحکمه، ص ۱۵۷۵)

□ امام صادق (ع): از ریاکاری بپرهیز، زیرا هر که برای غیر خدا کاری کند خدا او را به همان کسی که برایش کار کرده است واگذارد. (میزان‌الحکمه، ص ۱۹۴۱)

□ پیامبر اکرم (ص): پشیمان‌ترین مردمان در روز رستاخیز کسی است که آخرت خود را برای دنیای دیگری بفروشد. (میزان‌الحکمه، ص ۱۱۹۳)

□ امام صادق (ع): بدان که هر کس در راه طاعت خدا خرج نکند به خرج کردن در راه معصیت خدای عزوجل گرفتار شود و هر که در راه رفع نیاز دوست خدا قدم بر ندارد به قدم برداشتن در راه رفع نیاز دشمن خدای عزوجل گرفتار آید. (میزان‌الحکمه، ص ۶۴۵۱)

□ امام صادق (ع): مردم بیش از آن که با عمر خود زندگی کنند، با احسان و نیکوکاری خویش می‌زیند و بیش از آن که به سبب فرارسیدن اجل خود بمیرند بر اثر گناهان خویش در می‌گذرند. (میزان‌الحکمه، ص ۴۹)

□ امام صادق (ع): خدای عزوجل فرموده است: «مردم خانواده من هستند، پس محبوب‌ترین آنان نزد من کسانی هستند که با مردم مهربان‌تر و در راه برآوردن نیازهای آنان کوشاتر باشند.» (میزان‌الحکمه، ص ۹۵۳)

□ امام صادق (ع): آیا تصور می‌کنی که اگر خداوند به کسانی مالی داده است، بدین علت بوده که احترامی نزد او داشته‌اند، و اگر به کسانی مال نداده است، از آن روست که در نظرش قدر و منزلتی نداشته‌اند؟ نه! بلکه مال، مال خداست؛ و آن را در نزد برخی به امانت می‌گذارد، و بر آنان روا می‌دارد که از این مال با میانه‌روی بخورند و بیاشامند و بپوشند و ازدواج کنند و از وسیله‌ی سواری بهره‌مند شوند، و آنچه می‌ماند را به فقرا و مؤمنان بدهند، و نابسامانی زندگی آنان را به سامان آورند. پس هر کس چنین کند، آنچه می‌خورد و می‌آشامد و سوار می‌شود و ازدواج می‌کند، بر وی حلال است، و آنچه از این اندازه بگذرد بر وی حرام است.

[سپس امام این آیه را خواند:] «اسراف مکنید که خدا اسراف‌کنندگان را دوست نمی‌دارد» [سوره انعام، ۱۴۱] [و فرمود:] آیا خیال می‌کنید که خدا مردی را بر مالی که به او عطا کرده است امین می‌داند، که برای خود اسبی به ده هزار درهم بخرد، با اینکه اسب بیست درهمی برای او بس است، [...] و در عین حال بگوید که: «اسراف مکنید که خدا اسراف‌کنندگان را دوست نمی‌دارد؟!» (میزان‌الحکمه، ص ۵۷۴۳)

□ مردی نزد پیامبر (ص) آمد و گفت: «آیا در اموال حقی جز زکات وجود دارد؟» پیامبر (ص) فرمود: «مسلمان باید هرگاه گرسنه‌ای از او غذا بخواهد غذایی دهد و هرگاه برهنه‌ای از او لباس خواهد وی را بپوشاند.» آن مرد گفت: «بیم آن می‌رود که دروغ بگوید.» پیامبر (ص) فرمود: «آیا بیم آن نمی‌رود که راست بگوید؟» (میزان‌الحکمه، ص ۲۳۳۹)